

نظری به

فلسفه تحریم ربا

«۳»

درباره مفاسد اجتماعی و اقتصادی ربا در دو شماره گذشته باختصار سخن گفتیم ، یادآور شدیم که از لحاظ اجتماعی ، نظام رباخواری نفرت و بدبینی طبقاتی را جانشین عواطف اجتماعی و احترام متقابل افراد یکدیگر میکند، از نظر اقتصادی عامل رکود تولید و تشدید اختلاف طبقاتی و تراکم ثروت در طبقه خاصی میگردد . اینک بحث اقتصادی را که در شماره گذشته بعمل آوردیم در آخرین قسمت دنبال میکنیم .

در شماره گذشته با حساب کاملاً ساده‌ای معلوم نمودیم که گرفتن قرض باسود (ربا) بمنظور صرف در احتیاجات شخصی زندگی ، عاقبت کاملاً خطرناکی دارد و این نوع ربا دیر یا زود بدهکار را از پادر می‌آورد و تمام دارائی و هستی او را بر باد میدهد بنا بر این کمتر ممکن است شخص عاقلی حتی قطع نظر از جنبه دینی مسئله ، اقدام بچنین کار خطرناکی بکند . اینک میخواهیم بدانیم قرض باسود (ربا) بمنظور صرف پول در کارهای تولیدی مانند زراعت و صنعت چگونه است ؟ میدانیم که امروزیک نوع شایع از ربا همین قسم است ، پولهایی را که بانکها یا مؤسسات دیگر باسود بقرض میدهند قسمت مهمی از آن برای صرف در کارهای تولیدی است ، سود بده با این پول زراعت میکند ، کارخانه وارد میکند ، و بالاخره با این پول یک فعالیت اقتصادی محدود یا وسیعی را آغاز مینماید .

در این نوع ربا است که طرفداران «آزادی ربا» بشدت از نظام رباخواری حمایت میکنند ؛ منطق آنها اینست که اینگونه ربا نه تنها ضرری ندارد بلکه امروز آزادی این نوع ربا از عوامل مهم فعالیت‌های دامنه دار اقتصادی در کشورهای مختلف است ، اینها میگویند در ربا برای تولید خطر سقوط بدهکار وجود ندارد . بدهکار بکمک پول باسود فعالیت میکند ، قسمتی از

سود آن را خودش بر میدارد و قسمتی دیگر را به طلبکار می‌دهد، دیری نمیگذرد از این راه شخصی که سرمایه‌ای نداشت مستقلاً صاحب سرمایه می‌شود و کارهای تولیدی جامعه چندین برابر می‌گردد.

ولی درست همینجا است که اسلام بشدت اعتراض میکند و حتی **ربای برای تولید** را غالباً موجب **ورشکستگی و سقوط بدهکار و نزل اقتصاد بازار و توسعه و تشدید اختلاف طبقاتی و تراکم ثروت در طبقه خاص** میدانند.

در اینکه چگونه **ربا برای تولید**، این خطرها را در بردارد با توجه به مراعات اختصار، تنها اشاره به مطلب اساسی ذیل را کافی میدانیم:

در جامعه‌ای که ربا موقوف و ممنوع است و اعتباراتی بر اساس سود خواری بمردم داده نمی‌شود، هر فردی ناچار است فعالیت اقتصادی خود را در خور سرمایه واقعی‌اش شروع کند، بهمان اندازه که سرمایه دارد وارد خرید و فروش و تجارت، یا صنعت و زراعت و هر نوع کار دیگری بشود، در این وضعیت، اقتصاد جامعه از آرامش و هم‌آهنگی خاصی بر خوردار است؛ جهش‌ها و بهم‌خوردن توازن اقتصاد و ثروت عمومی بطور ناگهانی کمتر عارض اقتصاد جامعه می‌شود.

ولی وقتی ربا آزاد و شایع بود از دوره، توازن اقتصاد عمومی بهم می‌خورد و ورشکستگی‌ها بدنبال هم آغاز می‌شود و دیری نمیگذرد که اختلاف طبقاتی شدیدی گریبانگیر جامعه می‌گردد اینک این دوره را توضیح می‌دهیم:

۱- **در نظام ربا**، افراد با تکیه و امها و اعتباراتی که بآنها داده می‌شود فعالیتی برابر با چندین مقابل سرمایه واقعی خود شروع میکنند، اگر فردی با اول این فعالیت مصنوعی و غیرطبیعی را با موفقیت پایان‌رساند بلافاصله اعتبار و وام بیشتری میگیرد و در یک‌دائره و سطح وسیع‌تر از سابق شروع بفعالیت میکند، دائره این فعالیت در مدت کوتاهی بسیار وسیع می‌شود و دیری نمیگذرد که صاحب این فعالیت از راه امکاناتیکه و امها و اعتبارها در اختیار او گذاشته بودند سرمایه‌دار بزرگی می‌گردد، این افزایش سریع سرمایه جز از راه وام و اعتبار هرگز امکان نداشت.

از این راه است که **«آزادی ربا برای تولید»** عامل ظهور ناگهانی سرمایه‌داران بزرگ در صحنه اقتصاد بازار می‌شود، این وضعیت جهشی است که در اقتصاد رخ میدهد چنین جهشی را فقط نظام ربا و اعتبارات بر اساس سود ممکن می‌سازد و اگر ربا خواری موقوف بود و افراد به نسبت سرمایه‌های واقعی خود به تجارت می‌پرداختند افزایش سرمایه باین سرعت و

ظهور ناگهانی سرمایه داران بزرگ امکان نداشت ، حالا باید دید در این وضعیت چه پیش می آید ؟

میدانیم خاصیت سرمایه های بزرگ مخصوصاً در اقتصاد صنعتی اینست که سرمایه های کوچک را در خود هضم میکند و دست سرمایه داران متوسط را از پشت می بندد این مطالب با اینکه واقعیتی است که در علم اقتصاد از آن بحث میشود در عین حال آنچنان مسلم و روشن است که هر بازاری کم اطلاع از مبانی اقتصاد ، آنرا درک میکند ، من و شما بارها از بازارها شنیده ایم که سرمایه های بزرگ وقتی در بازار بکار افتاده دست سرمایه داران کوچک را از بازار کوتاه نموده و بازار فروش آنها را تصرف کرده است ، نتیجه ورشکستگی سرمایه داران متوسط باز شدن میدان برای سرمایه داران بزرگ است ، آنها از این راه همه بازارهای فروش را بدست خود میگیرند .

و بدین ترتیب هر روز سرمایه های بزرگ بزرگتر و پولدارها پولدارتر میشوند ! در حالی که مرتباً بر تعداد ورشکستگان ضعیف و درمانده افزوده میگردد ! نتیجه این وضع جز تقسیم شدن جامعه بدو طبقه سرمایه دار و فقیر نخواهد بود .

۲ - در نظام ربا برای تولید چون افراد فعالیت اقتصادی خود را با تکیه و ام چندین برابر سرمایه واقعی شروع میکنند مسئله ضرر در معامله برای آنها صورت و وضع بسیار خطرناکی پیدا میکند ، معلوم است که کارهای تولیدی همیشه سود آور نیستند و گاهی در اثر کوتاهی و اشتباه یا وضعیت خاص بازار در این کارها ضرر اتفاق می افتد ، فردی که با سرمایه واقعی خود به کسب تولیدی پرداخته اگر ضرر کند غالباً آنها مقدار زیادی از سرمایه خود را از دست میدهد و میتواند آنرا با کمی کوشش در کارهای بعدی جبران نماید ، مثلاً کسی که صد هزار ریال سرمایه دارد و آنرا در کارهای تولیدی بکار انداخته ممکن است بقدریک چهارم یا یک پنجم آن یعنی بیست و پنج هزار ریال و بیست هزار ریال در این معامله ضرر کند ولی بهر حال مقدار مهمی از سرمایه او باقی است و می تواند با همان ، دوباره کار کند و با کوشش مختصری ضرر سابق خود را جبران نماید .

ولی کسی که دارای صد هزار ریال سرمایه است و با تکیه و ام با سود مثلاً بیست تولید چهار صد هزار ریالی دست زده است اگر اتفاقاً بمقداریک چهارم مبلغ معامله ضرر کند صد هزار ریال ضرر کرده است ، این صد هزار ریال ضرر بقدر تمام سرمایه واقعی او است و در واقع این شخص در یک کار تمام سرمایه واقعی را از دست داده است ، چیزی که برای او مانده سیصد هزار ریال است که همه آن مال دیگری است و بدین ترتیب او شخصی است که تمام سرمایه خود را تنها در یک کار تولیدی که بر اساس تکیه باعتبار و وام انجام داده بود از دست داده و ورشکست شده است

ما میدانیم که در بازار امروز بیشتر ورشکسته‌ها از این قبیل هستند، کسانی که با داشتن سرمایه مختص با تکاء اعتبار و وام دست بکارها و معاملات بزرگی میزنند و بایکی دوزر تمام هستی خود را از دست میدهند.

این است معنی اینکه مسئله «**ضرر در معامله**» برای آنهایی که با نزول کار میکنند صورت بسیار خطرناک دارد و آزادی ربا عامل ورشکستگی عده‌ای و پولدارتر شدن عده‌ای دیگر می‌گردد.

در اینجا باید يك نکته را ناگفته نگذاریم و آن اینست که قرض بی سود که در فقه اسلامی از آن به «**قرض الحسنه**» یاد شده این مخاطرات را در بر ندارد، اولاد قرض بی سود فشار بهره‌های متراکم بدهکار را از پادرنمیاورد و اگر بدهکار فرضاً تاده سال هم نتواند قرض خود را بپردازد پس از ده سال تنها همان اصل قرض را خواهد پرداخت و بدین ترتیب مسئله تراکم سود که از عوامل مهم ورشکستگی افراد است در قرض بی سود محقق نخواهد شد.

دوم اینکه چون قرض بی سود دادن بصورت یک معامله سود دار نبوده و بیش از هر چیز جنبه اخلاقی و عاطفی دارد از این جهت میتوان گفت تقریباً جنبه استثنائی خواهد داشت و بصورت یک روش شایع و معمول در بازار (همانند سایر معاملات) در نخواهد آمد از این راه افرادی که با تکاء قرض بی سود دست بکار تولیدی زده و ورشکست میشوند بسیار نادر خواهند بود و نتیجه اینکه لطمه‌ای باقتصاد عمومی وارد نخواهد شد و ورشکستگی بصورت یک گرفتاری عمومی در نخواهد آمد.

از بحث‌هاییکه در چهار شماره این مجله باختصار بعمل آوردیم تا حدودی «**فلسفه تحریم ربا از نظر اسلام**»، آگاهی حاصل شد و میتوان بطور خلاصه گفت **جلوگیری از تشدید اختلاف طبقاتی و تراکم ثروت در طبقه خاص؛ جلوگیری از توسعه فقر و بدبینی میان رباخواران و سودبدهان، جلوگیری از رکود تولید، از عوامل مهمی هستند که با توجه با نهار با در «اقتصاد اسلامی» تحریم شده است.**

«**پایان**»